

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

توحید الای

حسین سیف الہی

سرشناسه	سيف اللهی، حسين، ۱۳۵۰ -
عنوان و نام پدیدآور	توحيد ولايی/ حسين سيف اللهی.
مشخصات نشر	قم: آيه نور، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهري	۱۲ص.
شابک	978-600-8114-51-2*
وضعيت فهرست نویسی	فيا
یادداشت	عربی.
موضوع	توحيد
موضوع	(Tawhid (Unity of God*
موضوع	ولایت
موضوع	Sainthood*
رده بندی کنگره	۱۳۹۸ ۹۱۷/۴/۳ BP۲۱۷
رده بندی دیویی	۲۹۷/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	۵۶۲۳۷۳۷

توحيد ولايی

تأليف: حسين سيف اللهی

ویراستار: حامد دهقانی

صفحه آرایی: سيد قاسم سيدیان

ناشر: آيه نور

نوبت چاپ: اول/ ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۵۰ جلد

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

آدرس: قم - خیابان شهدا (صفاییه) - کوچه ۲۴ (ممتاز) - نبش کوچه سوم - ساختمان نورالثقلین

مرکز نشر آیه نور - تلفن: ۳۷۸۳۹۴۷۴ (۰۲۵) پایگاه اینترنتی: www.shop.salamquran.ir

تلفن مؤلف: ۰۹۱۲۷۴۷۵۳۴۵

فهرست مطالب

مقدمه..... ۲۷

فصل اول

اهمیت اعتقاد به توحید

توحید؛ عالی‌ترین معرفت..... ۴۶

توحید؛ بالاترین فصاحت..... ۴۷

توحید؛ برترین نسبت..... ۴۸

توحید؛ رأس و قله علم..... ۴۹

شکر نعمت توحید و ولایت..... ۵۱

آثار و برکات اعتقاد به توحید..... ۵۲

۱. محبت خداوند متعال..... ۵۲

۲. معرفت خدای متعال..... ۵۳

۳. اعتقاد به یگانگی خداوند و تنزیه او..... ۵۴

۴. دینداری و بندگی خداوند..... ۵۵

۵. اعتقاد به نبوت رسول خدا ﷺ و ولایت ائمه اطهار علیهم السلام..... ۵۷

۶. یقین..... ۵۹

۷. کامل شدن عقل..... ۶۱

۸. اجابت دعا..... ۶۲

۹. بی‌نیازی از خلق..... ۶۲

۱۰. خوف خدا..... ۶۵

۱۱. کنترل زبان..... ۶۵

۱۲. قبول شدن اعمال نزد خدای سبحان..... ۶۶

۱۲-۱. معرفت خدای سبحان..... ۶۶

۶۸	۱۲-۲. معرفت اهل بیت (علیهم السلام)
۶۸	۱۲-۳. مطابقت عمل با امر پروردگار متعال
۶۹	۱۲-۴. مطابقت عمل با امر اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)
۷۱	۱۲-۵. اخلاص در عمل و پرهیز از ریا
۷۱	۱۲-۶. همراهی عمل با تقوا
۷۱	خلاصه مطالب

فصل دوم

وجوب عقلی خداشناسی

و وجوب پیروی از حجت های الهی در خداشناسی

۷۴	مقدمه
۷۴	دلیل اول
۷۴	وجوب عقلی نه صیل بنین به نجات از هلاکت ابدی
۷۴	مقدمه اول؛ وجود عقاید، افکار و اندیشه های مختلف و متضاد
۷۵	مقدمه دوم؛ احتمال هلاکت ابدی تنها در مخالفت با انبیا و اولیای الهی است
۷۶	نتیجه
۷۷	دلیل دوم
۷۷	وجوب عقلی پیروی از حق و عدل
۷۷	مقدمه اول؛ وجود حق و باطل
۷۷	مقدمه دوم؛ باطل نبودن همه افکار و اندیشه ها
۷۸	مقدمه سوم؛ حق نبودن همه افکار و اندیشه ها
۷۸	مقدمه چهارم؛ وجوب عقلی پیروی از حق و کناره گیری از باطل
۷۸	مقدمه پنجم؛ وجوب عقلی جست و جوی حق
۷۸	مقدمه ششم؛ حق و عدل، تنها در جبهه انبیا و اولیای الهی است
۷۹	ادله حقانیت پیامبران (علیهم السلام)
۷۹	۱. صداقت، امانت داری و پاکیزگی پیامبران
۷۹	۲. معجزات پیامبران
۸۰	۳. تأیید و تصدیق خدای سبحان
۸۲	۴. محتوای دین انبیا (علیهم السلام)
۸۲	نتیجه؛ وجوب پیروی از انبیا و اولیا در توحید و پرستش خدای یگانه

- دلیل سوم ۸۴
- قبیح عقلی انکار بدون علم و عرفان، و وجوب عقلی مراجعه به عالمان اهل یقین ۸۴
- خلاصه مطالب ۸۶

فصل سوم

توحید در ادیان گذشته و اسلام

- توحید؛ اساسی ترین اصل اعتقادی همه پیامبران ۹۰
- گواهی قرآن کریم بر یکتاپرستی پیامبران (علیهم السلام) ۹۱
- اسلام؛ دین یگانه نزد خداوند متعال ۹۳
۱. دین تسلیم ۹۴
۲. دین اسلام ۹۵
- ضرورت اعتقاد به توحید از دیدگاه قرآن کریم ۹۷
- ضرورت اعتقاد به توحید از دیدگاه پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) ۹۹
- ضرورت اعتقاد به توحید از دیدگاه ائمه اطهار (علیهم السلام) ۱۰۱
- ضرورت اعتقاد به توحید از دیدگاه مسلمانان ۱۰۲

فصل چهارم

رابطه توحید و ولایت

- ولایت؛ ظهور توحید ۱۰۶
- معرفت ائمه (علیهم السلام) معرفت خداست ۱۰۹
- نگاهی به معارف دعای دوران غیبت ۱۱۲
۱. ذات خدای سبحان شناختنی نیست ۱۱۲
۲. خداوند شناخته نمی شود مگر اینکه خودش خود را تعریف کند ۱۱۳
۳. تجلی اعظم خداوند در اشرف مخلوقات ۱۱۴
۴. ائمه (علیهم السلام) شناخته نمی شوند مگر به معرفی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) ۱۱۶
۵. تجلی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ائمه اطهار (علیهم السلام) ۱۲۰
۶. دین خدا شناخته نمی شود مگر به واسطه ائمه (علیهم السلام) ۱۲۴
۷. عدم جدایی توحید از نبوت و امامت ۱۲۷

فصل پنجم

برهان‌های اثبات توحید

۱۳۴	۱. برهان فقر
۱۳۸	۲. برهان بعثت
۱۳۹	توضیح برهان بعثت
۱۳۹	مقدمه اول؛ ضرورت هدایت خلق
۱۴۰	مقدمه دوم؛ ضرورت شناخت خالق و رازق
۱۴۰	مقدمه سوم؛ محال بودن مباشرت خداوند با مخلوقات
۱۴۲	مقدمه چهارم؛ ضرورت وجود واسطه و وسیله بین خدا و خلق
۱۴۲	مقدمه پنجم؛ وسیله هدایت بشر باید از جنس بشر باشد
۱۴۲	مقدمه ششم؛ ضرورت کامل بودن هادیان از سوی خداوند
۱۴۳	مقدمه هفتم؛ انبیا و رحمت‌های الهی، واسطه‌های بین خدا و خلق‌اند
۱۴۵	جمع بندی برهان بعثت
۱۴۷	امتیاز برهان بعثت
۱۳۹	۳. برهان حدوث عالم
۱۴۹	وجود عالم خلقت، دلیل وجود خالق و صانع آن است
۱۵۰	معنای حدوث
۱۵۱	معنای صنع و صانع
۱۵۱	تعریف برهان حدوث
۱۵۲	اهمیت برهان حدوث
۱۵۴	توضیح برهان حدوث
۱۵۴	مقدمه اول؛ عالم حادث است
۱۵۶	الف- ویژگی‌های موجود حادث
۱۵۶	ب- جهان آفرینش ویژگی‌های موجود حادث را دارد
۱۵۸	مقدمه دوم؛ موجود حادث، نیاز به صانع و پدیدآورنده دارد
۱۶۰	مقدمه سوم؛ صانع اشیا نمی‌شود همانند و شبیه خود اشیا باشد
۱۶۱	نتیجه
۱۶۲	خلاصه برهان حدوث
۱۶۳	۴. برهان نظم

تعریف برهان نظم	۱۶۳
توضیح برهان نظم	۱۶۳
مقدمه اول: جهان آفرینش یک نظام واحد، هماهنگ، متقن، حکیمانه و دقیق است.	۱۶۳
مقدمه دوم: تدبیر دو مدیر و دو مدبّر بر نظام واحد محال است.	۱۶۴
نتیجه: صانع، پروردگار و مدبّر عالم، تنهای خدای یگانه است که علیم، قدیر و حکیم است.	۱۶۵
برهان نظم در توحید مفضّل	۱۶۷
فراز اول از توحید مفضّل در باره برهان نظم	۱۶۷
فراز دوم از توحید مفضّل در باره برهان نظم	۱۶۸
خلاصه برهان نظم	۱۷۰

فصل ششم

اثبات توحید و نفی تعطیل و تشبیه

مذاهب سگانه در توحید	۱۷۲
۱. مذهب نکار؛ ینش کفری	۱۷۴
۲. مذهب اثبات همراه با تشبیه؛ ینش شرکی	۱۷۶
۳. مذهب اثبات بدون تشبیه؛ ینش توحیدی	۱۷۷
منزله‌ای بین نفی و اثبات نیست	۱۷۸
اثبات بدون تشبیه، تحدید خداوند نیست	۱۷۹
نه تعطیل، نه تشبیه	۱۷۹
تعریف تعطیل و معطله	۱۸۱
خداوند نه درک می‌شود، و نه شبیه چیزی است	۱۸۲
اوشیء است ولی نه مانند سایر اشیاء	۱۸۴
تشبیه، در معناست نه در لفظ	۱۸۶
خلاصه مطالب	۱۸۸

فصل هفتم

واحدیت خداوند و نفی تشبیه

خداوند متعال شناخته نمی‌شود مگر به واسطه تعریف خود او.	۱۹۰
معنای واحد بودن خدای متعال	۱۹۱
نفی تشبیه؛ رکن اساسی توحید	۱۹۳
اقسام تشبیه و بطلان آنها	۱۹۴

اهمیت نفی تشبیه.....	۱۹۶
۱. بدون نفی تشبیه، توحید شناخته نمی شود.....	۱۹۶
۲. نفی تشبیه، نظام توحید است.....	۱۹۷
۳. اخلاص در توحید در گرو نفی تشبیه است.....	۱۹۷
۴. تشبیه خداوند به خلقش، زشت ترین اعتقاد است.....	۱۹۸
ادله بطلان تشبیه.....	۱۹۸
۱. گواهی قرآن کریم.....	۱۹۸
۲. گواهی انبیا و اولیا علیهم السلام.....	۱۹۹
۳. گواهی عمر.....	۲۰۱
۴. گواهی همه مخلوقات.....	۲۰۳
۵. غیری با خداوند مذکور نیست تا اینکه شبیه او باشد.....	۲۰۴
۶. تشبیه، صفات مخلوقات است و خداوند از صفات خلقی منزّه است.....	۲۰۵
۷. منزّه بودن خدای سبحان از حدّ و ترکیب.....	۲۰۷
۸. فرد و قائم به نفس بودن خداوند متعال و منزّه بودن او از احتیاج به غیر.....	۲۰۸
۹. قدیم و ازلی بودن خداوند و منزّه بودن او از تغییر، تحویل، زیادت، نقصان.....	۲۰۹
۱۰. منزّه بودن خدای متعال از والدین، فرزندان، همسر و همتا.....	۲۱۱
۱۱. منزّه بودن خداوند از کثرت و تعدد.....	۲۱۲
۱۲. منزّه بودن خداوند از شریک.....	۲۱۲
نتایج نفی تشبیه.....	۲۱۳
۱. نفی همجنس و همسنخ.....	۲۱۳
۲. نفی مثل.....	۲۱۵
۳. نفی نظیر و مساوی.....	۲۱۵
۴. نفی ندّ (همتا).....	۲۱۶
۵. نفی معادل (عدیل، عدل).....	۲۱۷
۶. نفی همشکل.....	۲۱۷
۷. نفی کمک کار و پشتیبان.....	۲۱۸
۸. نفی همنام.....	۲۱۸
۹. نفی قرین و اقتران.....	۲۱۹
۱۰. نفی ضدّ.....	۲۲۰

خلاصه مطالب ۲۲۳

فصل هشتم

توحید ذاتی؛ احدیت خدای سبحان

معنای احدیت حق تعالی ۲۲۶

معنای «کان» و ازل بودن وجود حق تعالی ۲۲۸

قدیم بودن خداوند ۲۳۰

امتناع حادث از قدیم ۲۳۲

امتناع خلق از خالق ۲۳۵

امتناع حقی و حقیقی ۲۳۸

نتایج و لوازم امتناع حقی و حقیقی ۲۳۹

۱. فرد بودن خداوند و تنزیه او از ثانی ۲۴۱

۲. احدیت خداوند و تنزیه او از وحدت عددی و جنسی ۲۴۴

۳. احدی ا معنی بودن خداوند و تنزیه او از کثرت، اختلاف، جزء، بعض و ترکیب ۲۴۷

۴. تنزیه خداوند متعال از مقایسه با غیر ۲۴۸

ادله بطلان مقایسه خداوند با غیر ۲۵۰

۱-۴. امتناع غیر با خداوند ۲۵۰

۲-۴. بطلان تشبیه، کثرت، تعدد و ترکیب در خداوند ۲۵۰

۳-۴. بندگی و فقر تمام مخلوقات ۲۵۰

۵. تنزیه خداوند متعال از تغییر، تحوّل، زیادت و نقصان ۲۵۲

۶. تنزیه خداوند متعال از قبل، بعد، اول، آخر، ظاهر و باطن ۲۵۴

پرسش ۲۵۴

پاسخ ۲۵۵

۷. تنزیه خداوند متعال از وقت و مکان ۲۵۷

۸. تنزیه خداوند از شریک ۲۵۸

۹. تنزیه خداوند متعال از حدود و اعراض ۲۵۹

ادله حدّ نداشتن خدای سبحان ۲۶۲

۱. قدیم و ازی بودن خداوند متعال ۲۶۲

۲. شبیه نداشتن خداوند متعال ۲۶۲

۳. بی نیاز بودن خداوند ۲۶۳

۲۶۳	۴. بی نهایت بودن خداوند
۲۶۴	۵. خالق حدّ، محدود نمی شود
۲۶۶	دو اصل توحیدی مهم
۲۶۶	اصل اول؛ هر محدودی مخلوق است
۲۶۷	اصل دوم؛ آنچه در خلق جاری است، در خالق متعال جاری نمی شود
۲۶۹	خلاصه مطالب

فصل نهم

تنزیه خداوند از اتحاد، وحدت

عینیت با خلق

۲۷۲	بطلان اتحاد خالق و مخلوق
۲۷۴	بطلان وحدت و عینیت خدا و خلق
۲۷۵	۱. امتناع قدیم از حادث و حادث از قدیم
۲۷۶	۲. خدا بود و چیزی با او نبود، سپس خلق را آفرید
۲۷۸	۳. اثبات خدا و خلق و نفی شریع سوم
۲۷۸	۴. خالی بودن خدا از خلق، و عالم بودن خلق از خدا
۲۷۹	۵. جاری نشدن آنچه در خلق است بر خداوند متعال
۲۸۰	۶. بطلان مباشرت خدا با خلق
۲۸۱	۷. محدود بودن خلق و نامحدود بودن خداوند
۲۸۲	۸. بطلان وجه اشتراک بین خدا و خلق
۲۸۲	۹. بینونت خدا و خلق
۲۸۴	اقسام بینونت
۲۸۴	۹-۱. بینونت عزلت
۲۸۵	۹-۲. بینونت صفت از موصوف
۲۸۶	۹-۳. بینونت حقی؛ بینونت امتناعی؛ بینونت صفت از ذات
۲۸۷	۱۰. بطلان تساوی خدا و خلق
۲۹۱	خلاصه مطالب

فصل دهم

تنزیه خداوند از اشتراک حقیقی و وجودی با خلق

۲۹۴	بطلان انواع و اقسام اشتراک بین خدا و خلق
-----	--

۲۹۴	 بطلان اشتراک وجودی بین خدا و خلق
۲۹۴	 ۱. توحید ذاتی و امتناع غیر
۲۹۵	 ۲. امتناع قدیم از حادث
۲۹۶	 ۳. منزه بودن خدای متعال از تجزیه، ترکیب، تشبیه و همانندی
۲۹۷	 ۴. منزه بودن خدای سبحان از حدّ
۲۹۷	 ۵. منزه بودن خدای سبحان از شریک
۲۹۸	 ۶. خلقت «لا من شیء»
۳۰۰	 نقد اعتقاد به خلق «من شیء»
۳۰۰	 ۱. بطلان مبدئیت خلق برای خلق
۳۰۰	 ۲. بطلان مبدئیت خدا برای خلق
۳۰۲	 ۳. بطلان مبدئیت شیء سوم برای خلق
۳۰۳	 ۵. بطلان اصول ازلیه
۳۰۴	 خلاصه مطالب

فصل یازدهم

تنزیه خداوند از اشتراک معنوی با خلق

۳۰۸	 تعریف مشترک معنوی
۳۰۹	 بطلان مشترک معنوی وجود بین خدا و خلق
۳۰۹	 ادله بطلان اشتراک معنوی
۳۰۹	 ۱. احدیت خدای سبحان و امتناع غیر
۳۱۰	 ۲. ترکیب، تجزیه و حدّ، لازمه اشتراک معنوی است
۳۱۲	 ۳. ترکیب و تحدید لازمه تقسیم است
۳۱۳	 ۴. ترکیب و تحدید، لازمه اطلاق، کلیت و جزئیت است
۳۱۵	 ۵. مفهوم؛ آئینه مصداق
۳۱۷	 ۶. تصوّر مفهوم بدون وجود مصداق ممکن نیست
۳۱۸	 ۷. احدیت خدای سبحان و نفی تشبیه
۳۱۹	 ۸. احدیت خدای سبحان و نفی تناسب و سنخیت
۳۲۰	 ۹. محال بودن شناخت ذات الهی
۳۲۱	 خلاصه مطالب

فصل دوازدهم

تنبیه خداوند متعال از اشتراک لفظی با خلق

تعریف مشترک لفظی	۳۲۴
اختلاف قائلین به اشتراک لفظی و اشتراک معنوی	۳۲۴
مستند قائلین به مشترک لفظی	۳۲۵
ادله بطلان مشترک لفظی بین خدا و خلق	۳۳۱
۱. ذات الهی لفظ، اسم و رسم ندارد.	۳۳۲
۱-۱. محدودیت الفاظ و معانی آنها و نامحدود بودن خدای سبحان	۳۳۲
۱-۲. ذات الهی مفهوم ندارد	۳۳۳
۱-۳. محال بودن شناخت خدای متعال	۳۳۵
۱-۴. هراچه بتوان از آن تعبیر نمود مخلوق است	۳۳۶
پرسش	۳۳۷
پاسخ	۳۳۷
۲. ذات الهی موضوع سخن قرار نمی‌گیرد	۳۳۹
۳. در لغت حقیقی، مشترک لفظی وجود ندارد	۳۴۱
اقسام لغت	۳۴۲
۱. لغت اعتباری	۳۴۲
۲. لغت حقیقی	۳۴۲
اشتقاق‌های چهارگانه در لغت حقیقی	۳۴۵
۱. اشتقاق صغیر	۳۴۵
۲. اشتقاق وسیط	۳۴۵
۳. اشتقاق کبیر	۳۴۷
۴. اشتقاق اکبر	۳۴۷
خلاصه مطالب	۳۴۸

فصل سیزدهم

شناخت ایمانی، شناخت عرفانی

تفاوت شناخت ایمانی و عرفانی	۳۵۰
محال بودن شناخت عرفانی ذات الهی	۳۵۰
کسی جز او ذات او را نمی‌شناسد	۳۵۳

.....	عجز از معرفت ذات الهی	۳۵۵
.....	معرفت به عدم معرفت ذات الهی	۳۵۵
.....	تجیّز در شناخت خدای سبحان	۳۵۷
.....	وجوب شناخت ایمانی خدای سبحان	۳۵۹
.....	معرفت آیه توحید ذاتی	۳۶۱
.....	خلاصه مطالب	۳۶۱

فصل چهاردهم

محال بودن ادراک ذات خدای سبحان

.....	«درک» واژه‌ای کلیدی در بحث توحید	۳۶۴
.....	معنای «درک»	۳۶۴
.....	درک خدای تعالی محال است	۳۶۷
.....	شرایط درک	۳۶۸
.....	ضرورت وجود آلات و اسباب درک	۳۶۸
.....	هدف از آفرینش اسباب درک	۳۷۰
.....	اقسام اسباب درک	۳۷۱
.....	۱. مشاعر ظاهری	۳۷۲
.....	۲. مشاعر باطنی	۳۷۳
.....	۳. مشعر حقیقی	۳۷۵
.....	فقدان آلات درک ذات الهی در خلق	۳۷۶
.....	خلاصه مطالب	۳۷۹

فصل پانزدهم

ناتوانی حواس ظاهری از عرفان ذات الهی

.....	ناتوانی حواس از حس خداوند	۳۸۲
.....	۱. ناتوانی حس لامسه از عرفان ذات	۳۸۳
.....	۲. ناتوانی حس شنوایی از عرفان ذات الهی	۳۸۴
.....	۳. ناتوانی حس بینایی از عرفان ذات الهی	۳۸۵
.....	جهالت بشر و روشنگری پیامبران علیهم‌السلام	۳۸۶
.....	جاهلیت اولی و روشنگری پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم	۳۸۸
.....	جاهلیت ثانی و روشنگری اهل بیت علیهم‌السلام	۳۸۸

۱. حدیث اول ۳۸۹
۲. حدیث دوم ۳۸۹
۳. حدیث سوم؛ حدیث اهللبجه ۳۹۰
- ادله محال بودن شناخت ذات الهی با حواس ۳۹۳
- خالق حواس و محسوسات، محسوس نمی شود ۳۹۴
- اه شناخت و معرفت خدای سبحان ۳۹۵
- خلاصه مطالب ۳۹۷

فصل شانزدهم

ناتوانی مشاعر باطنی از عرفان ذات الهی

- مشاعر باطنی ۴۰۰
- عجز مشاعر باطنی از درک خداوند ۴۰۰
- الف- عجز مشاعر باطنی بدون ترکیب ۴۰۱
- ۱-۱. ناتوانی آذهان، ادهام و فطن از درک خدای متعال ۴۰۱
- ۱-۲. ناتوانی ابصار، اوهام و افنده از درک خدای متعال ۴۰۳
- ب- عجز مشاعر باطنی به طور خاص ۴۰۵
۱. مشاعر برزخی ۴۰۶
- ۱-۱. خیال یا متخیله ۴۰۶
- ۱-۲. فکر (متفکره) ۴۰۹
- ۱-۳. وهم (واهمه) ۴۱۱
- ۱-۴. علم (عالمه) ۴۱۳
- ۱-۵. عقل (عاقله) ۴۱۴
۲. مشاعر دهری ۴۱۵
۳. مشعر حقیقی (فؤاد؛ قلب) ۴۱۷
- ادله محال بودن شناخت ذات الهی با مشاعر باطنی و حقیقی ۴۲۰
۱. خداوند حد ندارد و محدود به حدود مشاعر مخلوقات نیست ۴۲۰
۲. احاطه علمی خلق به خداوند متعال محال است ۴۲۱
۳. خداوند متعال کیفیت، ترکیب و جزء ندارد ۴۲۲
۴. خدای سبحان همانند، همتا، شبیه و نظیر خلق نیست ۴۲۲
۵. خالق خلق، معروف خلش قرار نمی گیرد، و هر چه تعقل و توهم گردد، خدا نیست ۴۲۳

خلاصه مطالب ۴۲۴

فصل پنجم

حرمت سخن گفتن و تفکر کردن در ذات الهی

طرح بحث ۴۲۶

خلاصه مباحث گذشته ۴۲۸

مکلف نبودن خلق به شناخت ذات حق تعالی ۴۲۹

حرمت تفکر در ذات خداوند ۴۳۲

حرمت سخن گفتن از ذات خداوند ۴۳۳

الف- آیات منع سخن از ذات الهی ۴۳۴

آیه اول ۴۳۴

آیه دوم ۴۳۴

ب- روایات منع سخن از ذات خدای سبحان ۴۳۵

ج- ادله منع سخن از ذات الهی ۴۳۶

۱. عدم امکان شناخت ذات حق تعالی ۴۳۶

۲. تحقیر، سرگردانی، گمراهی و هلاکت ۴۳۷

۳. هیچ کلمه و کلامی بر ذات الهی دلالت ندارد ۴۳۹

ادله عدم دلالت لفظ، کلمه و کلام بر ذات حق تعالی ۴۴۲

۱-۳. مطابقت و مناسبت لفظ با معنا و مفهوم ۴۴۲

پرسش ۴۴۴

پاسخ ۴۴۴

۲-۳. مناسبت و مطابقت معنا و مفهوم ذهنی با مصداق خارجی ۴۴۶

۳-۳. حدوث کلام الهی و بطلان دلالت حادث بر قدیم ۴۴۸

۳-۴. عدم دلالت کلام الهی بر ذات او ۴۴۹

۴. ذات الهی موضوع هیچ علمی قرار نمی‌گیرد ۴۵۲

۵. سخن‌ها همه در اوصاف است و ذات الهی توصیف نمی‌شود ۴۵۴

۶. امتناع غیر و ماسوا ۴۵۶

معنای وجود خداوند سبحان ۴۵۷

خلاصه مطالب ۴۶۰

فصل هجدهم تعریف و تجلی خدای متعال

۴۶۴	خلاصه مباحث گذشته
۴۶۷	خلاصه مباحث پیش رو
۴۶۸	ضرورت تعریف و تجلی خداوند متعال در میان خلق
۴۶۸	۱. ظهور کمالات الهی
۴۶۹	۲. تحقق معرفت و عبودیت
۴۷۰	ضرورت تعریف از سوی خداوند و قبول آن از سوی خلق
۴۷۲	توصیف خداوند به غیر آنچه خودش خود را وصف کرده جایز نیست
۴۷۴	تعریف خدای سبحان به واسطه خلق
۴۷۶	معنای تجلی
۴۷۶	گستره تجلی خداوند متعال
۴۷۷	کمال تجلی خداوند در کتابهای سه گانه
۴۷۸	تطابق و هماهنگی کتب و تجلیات سه گانه
۴۷۸	معنای تجلی خدای متعال در حق
۴۷۹	۱. معنای باطل کشف حجاب
۴۸۰	۲. معنای حق کشف حجاب
۴۸۲	معنای دعای رجبیه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف
۴۸۲	بطلان تعطیل
۴۸۵	تجلی فعلی به معنای اعم
۴۸۶	اقسام توحید
۴۸۷	۱. توحید ذاتی
۴۹۳	۲. توحید صفاتی
۴۹۴	۳. توحید افعالی
۴۹۴	۴. توحید عبادی
۴۹۵	مباحثی در باره «وجه الله»
۴۹۵	معنای وجه
۴۹۵	ذات خداوند وجه ندارد
۴۹۷	انبیا و اولیای الهی وجه خداوند متعال در عالم اند

۴۹۸.....	اهل بیت علیهم السلام وجه اعظم خدا هستند
۴۹۹.....	معبود خلق، تنها خدای یگانه است
۵۰۱.....	خلاصه مطالب
۵۰۴.....	

فصل نوزدهم

تعریف و تجلی خداوند در آیات و علاماتش

(معرفت الله بالآیات و العلامات)

۵۰۶.....	تعریف خداوند متعال به واسطه آیاتش
۵۰۸.....	مخلوق بودن آیات الهی
۵۰۹.....	آیات الهی مباشر و مشابه خدا نیستند
۵۰۹.....	محال بودن خروج از آیات الهی
۵۱۲.....	حکمت آفرینش آیات
۵۱۴.....	گستره آیات الهی
۵۱۵.....	وضوح، روشنی و نورانیت آیات الهی
۵۱۶.....	کفر بودن انکار آیات الهی
۵۱۷.....	درجات، مراتب و سطوح آیات الهی
۵۱۸.....	اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام آیات الهی اند
۵۱۹.....	اهل بیت آیات عظمی و کبرای الهی اند
۵۲۱.....	آیه توحید ذاتی
۵۲۲.....	اهل بیت علیهم السلام آیه توحید ذاتی
۵۲۴.....	پرسش
۵۲۴.....	پاسخ
۵۲۶.....	اهل بیت علیهم السلام ملاک معرفت خدای متعال هستند
۵۲۸.....	نفس، آیه توحید ذاتی
۵۲۹.....	خلاصه مطالب

فصل بیستم

تعریف و تجلی خداوند در اسماء و صفاتش

(معرفت الله بالأسماء و الصفات)

۵۳۴.....	اهمیت خداشناسی با اسماء و صفات
----------	--------------------------------

معنای اسم در لغت	۵۳۴
تعریف اسم	۵۳۵
هدف از نام‌گذاری	۵۳۵
مشخصات اسم	۵۳۷
۱. اسم در حقیقت همان صفت است و استقلال ندارد	۵۳۷
۲. اسم، مستقی لازم دارد.	۵۳۸
۳. اسم غیر مستقی است	۵۳۹
۴. اسم ظهور مستقی است	۵۴۰
۵. اسم و مستقی مناسبت و اقتران داشته و در یک عرصه‌اند	۵۴۱
۶. اسم و مستقی محتاج و فقیرند	۵۴۲
ذات الهی اسم و مستقی ندارد	۵۴۳
۱. احدیت خدای متعال و امتناع غیر	۵۴۳
۲. احدیت خداوند محال و تنزیه او از کثرت، تعدد، ترکیب و اختلاف	۵۴۵
۳. بطلان ربط قدیم و حادث	۵۴۵
۴. تنزیه خدای سبحان از حدود	۵۴۷
۵. واحدیت خداوند و تنزیه او از تشبیه	۵۴۷
۶. تنزیه خدای سبحان از مناسبت با خلق	۵۴۸
حدوث اسماء و صفات الهی	۵۴۹
اسم‌ها و صفات‌های خدای متعال، فقط به سوی او دعوت می‌کنند	۵۵۲
اسماء و صفات الهی وسیله شناخت خداوند متعال	۵۵۳
خداوند متعال به واسطه اسماء و صفات الهی عبادت می‌شود	۵۵۴
عبادت اسم‌های خداوند کفر و شرک است	۵۵۵
گستره اسماء الهی در عالم کون و عالم شرع	۵۵۶
اقسام اسم‌ها	۵۵۷
۱. اسم‌های عرضی	۵۵۷
۲. اسم‌های حقیقی	۵۵۸
عظمت اسماء الهی	۵۶۰
اهل بیت علیهم‌السلام اسم‌های حقیقی خدای متعال اند	۵۶۱
معنای الحاد در اسماء الله	۵۶۳

۵۶۵	 اقسام اسماء الله از نگاهی دیگر
۵۶۵	 ۱. اسماء قدس
۵۶۵	 ۲. اسماء اضافه
۵۶۵	 ۳. اسماء خلق و تربیت
۵۶۵	 نام مبارک بسم الله الرحمن الرحيم
۵۶۶	 تنزیه ذات الهی از هر صفتی
۵۶۷	 ۱. تغایر صفت و موصوف
۵۶۷	 ۲. تقارن صفت و موصوف
۵۶۷	 ۳. محدودیت صفت و موصوف
۵۶۸	 ۴. حدود صفت و موصوف و امتناع آن دو از ازل
۵۶۸	 ۵. فقر و احتیاج صفت و موصوف
۵۶۹	 اقسام صفات الهی
۵۶۹	 ۱. صفات ملکی
۵۷۰	 ۲. صفات انبلی
۵۷۰	 ۱-۲. صفات ذاتی
۵۷۴	 ۲-۲. صفات افعالی
۵۷۴	 خلاصه مطالب

فصل بیست و یکم

تعریف و تجلی خداوند در قرآن کریم (معرفت الله بالکتاب)

۵۷۸	 تجلی خدای متعال در قرآن کریم
۵۷۸	 نهایت حق خداوند متعال بر بندگان
۵۷۹	 مذهب صحیح در توحید و حرمت تخطی از قرآن کریم
۵۸۱	 اهل بیت علیهم السلام مفسران حقیقی قرآن کریم

فصل بیست و دوم

تعریف و تجلی خداوند در اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام (معرفت الله بالإمام)

۵۸۶	 اهمیت امام شناسی (به معنای اعم)
۵۸۶	 ۱. امام کلید همه معارف

۵۸۷	۲. امام همتای پیامبر است مگر در نبوت
۵۸۸	۳. حکمت و خیر کثیر؛ معرفت امام و اطاعت از اوست
۵۸۹	۴. عدم معرفت امام؛ منشأ همه جهالت‌ها و انحراف‌ها
۵۹۰	۵. امام شناسی؛ قلّه، کلید و اساس معارف الهی
۵۹۱	امام بهترین نام برای اهل بیت علیهم‌السلام
۵۹۲	معنای لغوی امام
۵۹۳	رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام امام همه خلق هستند
۵۹۵	رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اهل بیت علیهم‌السلام قائم مقام خدا در همه عوالم وجودی‌اند
۵۹۷	اهل بیت علیهم‌السلام محلّ معرفت خدای متعال هستند
۵۹۸	اهل بیت علیهم‌السلام ظاهر و محلّ مشیت خدای متعال هستند
۶۰۰	حدیث اول
۶۰۰	حدیث دوم
۶۰۰	حدیث سوم
۶۰۱	حدیث چهارم
۶۰۱	حدیث پنجم
۶۰۲	اهل بیت علیهم‌السلام واسطه همه فیض‌های خداوند هستند
۶۰۵	خداوند شناخته نمی‌شود مگر به واسطه شناخت اهل بیت علیهم‌السلام
۶۰۷	الف- آیات
۶۰۷	آیه اول
۶۰۸	آیه دوم
۶۰۹	ب- روایات
۶۰۹	حدیث اول
۶۱۰	حدیث دوم
۶۱۰	حدیث سوم
۶۱۱	حدیث چهارم
۶۱۱	حدیث پنجم
۶۱۲	حدیث ششم
۶۱۲	حدیث هفتم
۶۱۳	حدیث هشتم

حدیث نهم.....	۶۱۳
حدیث دهم.....	۶۱۴
حدیث یازدهم.....	۶۱۴
حدیث دوازدهم.....	۶۱۴
حدیث سیزدهم.....	۶۱۵
حدیث چهاردهم.....	۶۱۵
شناخت اهل بیت علیهم السلام در همه عوالم وجود، ملاک شناخت خداوند است.....	۶۱۶
۱. تجلی خداوند متعال در عالم دَر در وجود مبارک اهل بیت علیهم السلام	۶۱۷
۲. تجلی خداوند متعال در آسمان ها برای ملائکه در وجود مبارک اهل بیت علیهم السلام	۶۲۱
۳. تجلی خداوند در قیامت در وجود مبارک اهل بیت علیهم السلام	۶۲۲
۴. تجلی خداوند در بهشت در وجود مبارک اهل بیت علیهم السلام	۶۲۵
شان نبودی و شان رهبری اهل بیت علیهم السلام	۶۲۷
معرفت اهل بیت علیهم السلام به نورانیت معرفت خداست.....	۶۲۸
الف- آیات نورانیت اهل بیت علیهم السلام	۶۲۸
آیه اول.....	۶۲۸
آیه دوم.....	۶۳۰
آیه سوم.....	۶۳۱
آیه چهارم.....	۶۳۱
آیه پنجم.....	۶۳۲
ب- روایات نورانیت اهل بیت علیهم السلام	۶۳۲
روایت اول.....	۶۳۲
روایت دوم.....	۶۳۳
روایت سوم.....	۶۳۳
روایت چهارم.....	۶۳۴
روایت پنجم.....	۶۳۴
روایت ششم.....	۶۳۵
روایت هفتم.....	۶۳۵
روایت هشتم.....	۶۳۶
روایت نهم.....	۶۳۶

۶۳۶.....	روایت دهم
۶۳۸.....	روایت یازدهم
۶۳۸.....	روایت دوازدهم
۶۳۹.....	روایت سیزدهم
۶۳۹.....	روایت چهاردهم
۶۴۰.....	روایت پانزدهم
۶۴۱.....	روایت شانزدهم
۶۴۱.....	روایت هفدهم
۶۴۴.....	روایت هجدهم
۶۴۴.....	جمع بندی روایات
۶۴۵.....	مقامات مختلف اهل بیت علیهم السلام
۶۴۸.....	تعریف حالی نوربید در اهل بیت علیهم السلام
۶۵۳.....	تعریف مقالی توحید در کلاه و سخن اهل بیت علیهم السلام
۶۵۸.....	انکار اهل بیت علیهم السلام انکار خداوند است
۶۶۲.....	تمام خلق بر سر سفره احسان اهل بیت علیهم السلام نشسته اند
۶۶۴.....	خلاصه مطالب

فصل بیست و سوم

تعریف و تجلی خداوند در نفس انسان (معرفت الله بالانفس)

۶۶۸.....	اهمیت معرفت نفس
۶۷۰.....	تجلی و تعریف خداوند متعال در وجود انسان
۶۷۲.....	معرفت نفس؛ معرفت رب
۶۷۴.....	عبودیت نفس در «وجود، تحقق و عینیت»
۶۷۶.....	ربوبیت نفس در «وجدان، عرفان و اثبات»
۶۷۹.....	مؤمن از نور خدای متعال آفریده شده است
۶۸۰.....	نور خدا در کون و شرع، نور فعلی اوست
۶۸۰.....	نفس انسان، نور امام اوست
۶۸۱.....	الف- خلقت کونی مخلوقات از نور کونی اهل بیت علیهم السلام
۶۸۲.....	ب- خلقت شرعی مؤمنان

خلاصه مطالب ۶۸۵

فصل بیت و چهارم

خداشناسی به واسطه عقل

جایگاه عقل و تعقل در اسلام ۶۸۸

عقل؛ برترین و محبوب‌ترین نعمت خداوند ۶۸۸

عقل؛ بهترین وسیله نجات و سعادت ۶۸۹

عقل؛ بهترین وسیله بندگی و عبادت ۶۹۰

عقل؛ وسیله معرفت ۶۹۰

رابطه عقل و وحی ۶۹۲

رابطه عقل و ایمان ۶۹۶

حوزه‌های معرفتی عقل در خداشناسی ۷۰۲

الف- حوزه ممنوعه عقل در معرفت خداوند متعال ۷۰۲

۱. بطلان توحید تعدیدی ۷۰۴

۲. بطلان توحید تشبیهی ۷۰۶

۳. بطلان توحید احاطی ۷۰۷

ب- حوزه معرفتی عقل ۷۰۸

۱. معرفت ایمانی، اعتقادی و استدلالی عقل ۷۰۸

۲. معرفت عرفانی و شهودی عقل ۷۱۲

۱-۲. معرفت به عجز از معرفت ۷۱۲

۲-۲. معرفت به نفس عقل ۷۱۶

خلاصه مطالب ۷۱۹

فصل بیت و پنجم

خداشناسی به واسطه قلب

معانی قلب ۷۲۲

۱. قلب به معنای فؤاد ۷۲۲

۲. قلب به معنای عقل ۷۲۲

۳. قلب به معنای تحوّل، انقلاب و دگرگونی ۷۲۳

قلب (فؤاد)؛ امیر وجود انسان ۷۲۶

عجز و ناتوانی قلب از شهود ذات حقّ تعالی ۷۲۷

- معرفت ایمانی و استدلالی قلب؛ معرفت عقلی ۷۲۸
- معرفت عرفانی و شهودی قلب؛ معرفت فؤادی ۷۳۰

فصل بیست و ششم

خداشناسی به واسطه فطرت

- معنای فطرت ۷۴۰
- معنای فطرت در اصطلاح دینی ۷۴۰
- فطرت انسان؛ فطرت توحیدی ۷۴۱
۱. فطرتی توحید در وجود انسان ۷۴۱
۲. تعریف توحید در وجود انسان ۷۴۲
- فطرت اولیه؛ فطرت ذریه ۷۴۳
- فطرت اولیه؛ فطرت تکوینی ۷۴۵
- فطرت ثانویه؛ فطرت شرعی ۷۴۷
- دین حنیف؛ دین قیم؛ ولایت اهل بیت (علیهم السلام) ۷۵۱
- تبدیل فطرت اولیه به فطرت ثانویه شیطانی ۷۵۲
- خلاصه مطالب ۷۵۴

فصل بیست و هفتم

معرفت الله باله

- اهمیت «معرفت الله باله» ۷۵۶
- خلاصه مباحث گذشته ۷۵۷
۱. معرفت الله؛ هدف خلقت انسان و جهان ۷۵۷
۲. معرفت الله واجب است ۷۵۸
۳. معرفت ذات حق تعالی محال است ۷۵۸
۴. تعریف و تجلی خدا در خلق؛ تنها راه معرفت خدا ۷۵۹
۵. تعریف خدا به خلق است نه به ذات ۷۶۰
- تفاوت بحث «معرفت الله باله» با معرفت الله بالآیات ۷۶۱
- احادیث معرفت الله باله ۷۶۱
- حدیث اول ۷۶۲
- حدیث دوم ۷۶۲
- حدیث سوم ۷۶۳

حدیث چهارم.....	۷۶۳
حدیث پنجم.....	۷۶۳
حدیث ششم.....	۷۶۴
حدیث هفتم.....	۷۶۴
معانی معرفت الله بالله.....	۷۶۵
معنای اول؛ معرفت تنزیهی.....	۷۶۵
معنای دوم؛ معرفت تحمیدی.....	۷۶۷
معنای سوم؛ معرفت خداوند به واسطه ادله‌ای که او قرار داده است.....	۷۶۹
۱-۳. ادله آفاقی.....	۷۶۹
۲-۳. ادله انفسی.....	۷۷۰
۲-۳. ادله شرعی.....	۷۷۰
معنای چهارم؛ معرفت خداوند به واسطه تعلیم او.....	۷۷۱
۱-۴. تعلیم ظاهری خداوند متعال.....	۷۷۳
۲-۴. تعلیم باطنی خداوند متعال.....	۷۷۴
تفاوت کشف و شهودهای عرفانی با تعلیم باطنی خدای متعال.....	۷۷۷
معنای پنجم؛ معرفت خدای سبحان به واسطه نور او.....	۷۷۸
الف- معرفت ایمانی و اعتقادی.....	۷۷۸
ب- معرفت عرفانی و شهودی.....	۷۸۰
معنای «يَا مَنْ ذَلَّ عَلَىٰ ذَاتِهِ بِذَاتِهِ».....	۷۸۱
معنای ششم؛ معرفت خداوند متعال به واسطه امام علی (ع).....	۷۸۲
پرهیز از غلو و تقصیر.....	۷۸۲
معرفت امام ملاک معرفت خداوند است.....	۷۸۴
حکمت را هر جا باشد باید گرفت.....	۷۸۶
حدیث صورت انزعیه.....	۷۸۷
وجوب شناخت صورت انزعیه.....	۷۸۹
معنای صورت انزعیه.....	۷۹۰
حدیث نورانیت.....	۷۹۲
مقام عبودیت و ظهور ربوبیت، و سرنفی و اثبات.....	۷۹۳
۱. مقام «لَا هِيَ هُوَ».....	۷۹۳

۷۹۴	 مقام «هی هو»
۷۹۷	 معنای «بُیُوتُ النُّورِ»
۷۹۸	 معنای «قُصُصُ الظُّهُورِ»
۷۹۹	 معنای حجاب نور
۸۰۰	 امام شناسی به نورانیت، مقصد نهایی و پایان راه معرفت
۸۰۱	 مراتب شناخت و معرفت
۸۰۴	 خلاصه مطالب
۸۰۸	 فهرست منابع

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و
اللهم على أعدائهم اجمعين الى قيام يوم الدين.

اعتقاد به توحید و یگانگی خدای متعال و تنزیه او از شرک، اساسی ترین اعتقادی است
که سعادت ابدی بشر در گرو آن است. در اسلام و همه ادیان آسمانی، معرفتی بزرگ‌تر و مهم‌تر
از معرفت الله معرفی نشده است. در اهمیت این اصل اساسی دین، همین بس که اهل بیت
عصمت و طهارت علیهم‌السلام هیچ یک از معارف دین را بر «معرفت الله» ترجیح نداده و آن را «رأس
العلم»، «أَعْلَى الْمَعَارِفِ»، «أَفْضَلُ الْفَرَائِضِ»، «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ» و «أَفْضَلُ الْإِيمَانِ» معرفی کرده‌اند.
انحراف در این اصل اساسی، مکاتب مختلفی را در تاریخ بشریت رقم زده است؛ برخی
همچون زنادقه، دهریه، کمونیسیم و مانند آنها، به انکار حق تعالی روی آورده و کفر ورزیده‌اند.
برخی دیگر، به شرک گراییده و برای او شریک و شبه اعتقاد ورزیده‌اند؛ همچون ثنویه که به
دو خدا؛ یعنی خدای نور و خدای ظلمت، یا خدای خیر و خدای شر معتقد شده‌اند. و برخی نیز
به پرستش بت‌های سنگی و چوبی روی آورده، یا موجوداتی همچون خورشید، ماه، ستاره، گاو
و امثال آن را پرستیده‌اند.

با ظهور اسلام و بعثت خاتم انبیا پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بت پرستی و شرک ظاهری از میان
مسلمانان رخت بر بست، لکن پس از شهادت آن حضرت، به دلیل آنکه بیشتر مسلمانان از
حجت‌های الهی و ائمه حق رو گردانده و تعالیم انبیا و ائمه اطهار علیهم‌السلام را نادیده گرفته و بر
اساس رأی، قیاس، استحسان، و هوا و هوس خود و امثال خود سخن گفتند، انحرافات بسیاری
در اعتقادات، احکام و اخلاق آنان پیدا شد و به تصریح روایات، هفتاد و سه فرقه در عالم اسلام
به وجود آمد و شرک، در قالب‌ها و لباس‌های جدیدی خودنمایی نمود.

البته شرک آمیز بودن اعتقادات برخی فرقه‌ها، آشکارتر و روشن‌تر است؛ همچون اشاعره که به تعدّد قدماء، و در حقیقت، به تعدّد آلهه اعتقاد ورزیده‌اند. یا کسانی که به جسمانیت خدای متعال و امکان رؤیت او و مانند آنها روی آوردند. ولی تشخیص شرک آمیز بودن اعتقادات برخی گروه‌های اسلامی دیگر، مخفی‌تر، فنی‌تر، تخصصی‌تر و پیچیده‌تر است و تشخیص آن برای عموم مردم دشوارتر است؛ همچون کسانی که به سنخیت خدا و خلق، یا عینیت خدا و خلق یا وحدت وجود بین خدا و خلق در مفهوم یا در مصداق، یا وحدت موجود اعتقاد ورزیده و گمان کرده‌اند که بسیار عارفانه و عقلانی سخن می‌گویند!!

و برخی دیگر، با گرایش صوفیانه، دم از صلح کل و صراط‌های مستقیم زده و تفاوت مکاتب و مذاهب مختلف را در ماهیت دانسته و چنین گمان کرده‌اند که ماهیت، عرضی و اعتباری است، و آنچه حقیقت دارد وجود است، و این حقیقت نیز در همه انسان‌ها و در همه مذاهب‌ها و مکاتب‌ها یکی است. لذا همه آنها حق بوده و رو به سوی خدا دارند و در نهایت به خدا می‌رسند، با این تفاوت که برخی قوی‌تر و سریع‌تر رو به خدا می‌روند و برخی ضعیف‌تر و آرام‌تر؛ به عبارت دیگر، برخی به خدا نزدیک‌ترند و برخی دورتر، لکن همه آنها در سیر الی الله هستند و عاقبت امرشان به یک جا می‌انجامد؛ شاعرشان گفته:

چون که بی‌رنگی اسیر رنگ شد موسی با موسی در جنگ شد

چون به بی‌رنگی رسی کان داشتی موسی و فرعون دارند آشتی

در حالی که حضرت موسی علیه السلام مظهر نور خدا بوده و در اعلیٰ علین جای دارد، و فرعون مظهر ظلمات ابلیسی بوده و در اسفل السافلین جای دارد، و آن دو، از بارزترین و بالاترین مصادیق دشمنی حقیقی در عالم‌اند و اختلافشان صرفاً در رنگ عرضی و اعتباری نیست که روزی زایل شود و با هم به آشتی برسند، بلکه حقیقت وجود حضرت موسی علیه السلام نور است، و حقیقت وجود فرعون ظلمت است، و آن دو، همواره تا ابد از یکدیگر دور می‌شوند و هرگز با یکدیگر آشتی نمی‌کنند و هیچ نقطه مشترکی ندارند؛ زیرا که یکی نور محض و دیگری ظلمت محض است؛ «مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُّورٍ»؛ «کسی را که خداوند نوری برای او قرار نداده، هرگز نوری ندارد».

آنان در اعتقاد خود به صلح کل، به آیات متعددی استناد کرده و دزدهای طریق معرفت شده‌اند؛ آیاتی همچون؛ «إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»^۱ «سرانجام (همه) به سوی اوست»، و «يَسْبِيحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ»^۲ «هرآنچه در آسمان‌ها و زمین است تسبیح خدا می‌گویند»، و «إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَنِ عَبْدًا»^۳ «هیچ کس در آسمان‌ها و زمین نیست مگر اینکه (فطرتاً) بنده (خدای) رحمان است».

مشکل اساسی معتقدان به صلح کل در استناد به این آیات شریفه و مانند آنها، این است که اساساً احکام و مسائل عالم تکوین را در عالم شریعت پیدا کرده و آن نتایج شرکی را به بار می‌آورند؛ زیرا اگرچه همه مخلوقات در جهت تکوینی خود تسلیم حق تعالی بوده و تکویناً تسبیح خدا می‌گویند، لکن قطعاً ملاک حق و باطل بودن آنها، این جهت تکوینی آنها نیست؛ زیرا جهت تکوینی اشیا، مقام قوه و استعداد بوده و ظرف نور شرعی است و ملاک حق و باطل، و ملاک بهشت و جهنم، و ملاک قرب و بُعد به خداوند، پذیرش و عدم پذیرش دین شرعی و نور شرعی خدای متعال است که حق تعالی به واسطه انبیا و ائمه علیهم‌السلام که حجت‌های معصوم اویند، بدون کم و زیاد به بندگان رسانده و حجت را بر آنان تمام کرده است.

بدیهی است که در زادی شریعت، همه به سوی خدا نمی‌روند و همه تسبیح خدا نمی‌گویند، بلکه عده‌ای همواره از خدای متعال دور شده و به قهر و عذاب الهی گرفتار می‌شوند، و فقط مؤمنان به انبیا و حجت‌های الهی، حق بوده و اهل نجات‌اند و مخالفان و دشمنانشان اهل هلاکت و اهل ظلمت‌اند.

ثانیاً، اگر قرار بود همه انسان‌ها در هر مذهب و مکتبی، حق بوده و رو به سوی خدا باشند، انبیا و ائمه علیهم‌السلام که خالص‌ترین، عاقل‌ترین و کامل‌ترین بندگان خدا بوده و بدون اذن و وحی الهی هرگز سخن نمی‌گویند، نباید مخالفان و دشمنان خود را باطل دانسته و با آنان دشمنی می‌ورزیدند! و نباید با آنان به جنگ و جهاد می‌پرداختند! و نباید هیچ قومی را نفرین می‌کردند! همچنین خدای سبحان نیز نباید در کتاب‌های آسمانی‌اش دشمنان رسولان و حجت‌های خود را دشمن خود و اهل هلاکت می‌خواند! و نباید به آنان وعده عذاب می‌داد! و

۱. مائده، ۵، آیه ۱۸، غافر، ۴۰، آیه ۳، شوری، ۴۲، آیه ۱۵، تغابن، ۶۴، آیه ۳.

۲. جمعه، ۶۲، آیه ۱.

۳. مریم، ۱۹، آیه ۹۳.

نباید قومی را به سبب مخالفتشان با انبیای الهی هلاک می‌کرد! در حالی که به وضوح مشاهده می‌کنیم، که پیامبران الهی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام با تمام وجود در برابر مخالفان خود ایستاده و جان و مالشان را خرج اثبات حق بودن معارف خود و بطلان عقاید کفری و شرکی مخالفانشان نموده و بر این اساس، جنگ‌ها و جهادها کردند و اصحاب و یارانشان و گاه خودشان در این راه، جام شهادت نوشیدند و قوم‌هایی را نفرین کردند، و خداوند نیز ایشان را نصرت و یاری نموده و تأیید و تسدیدشان کرده و آن قوم‌های مخالف را هلاک ساخته است؛ همانند قوم نوح، قوم هود، قوم لوط، قوم صالح، قوم ثمود و مانند آنها.

ثالثاً، اگر قرار بود هنگامی فرا رسد که تفاوتی بین مؤمن و کافر نماند و همه در لذت و سرور در بهشت و رضوان الهی باشند، خدای سبحان در قرآن کریم، جاودانگی و خلود اهل جهنم در آتش را وعده نمی‌داد، در حالی که خدای سبحان در آیات فراوانی تصریح فرموده است که اهل بهشت در بهشت و اهل دوزخ در جهنم، خلود داشته و تا ابد در آن هستند و هیچ گاه از آن خارج نمی‌شوند؛ برای نمونه، می‌فرماید:

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾^۱: «و کسانی که کافر شدند و آیات ما را تکذیب نمودند، اهل آتش‌اند و در آن جاودانه‌اند و همیشه در آن خواهند بود».

﴿وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ﴾^۲: «و هرگز از آتش (دوزخ) خارج نخواهند شد».

﴿يُرِيدُونَ أَن يُخَرِّجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾^۳: «می‌خواهند از آتش خارج شوند، ولی هرگز نمی‌توانند از آن خارج گردند و برای آنها مجازاتی پایدار است».

خلاصه، اینکه در این آشفته بازار اعتقادی، فقط گروهی نجات یافته‌اند که در اعتقاد به خدای یگانه، تسلیم حجت‌های الهی شده و فقط بر اساس معارف بلند اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام نظام فکری و عرفانی خود را سامان داده‌اند؛ نه بر اساس افکار و اندیشه‌های ناقص خود و امثال خود؛ اعم از رومیان، هندیان، صوفیان، سنیان و مانند آنها از مدعیان عرفان‌های کاذب.

۱. بقره ۲، آیه ۳۹.

۲. بقره ۲، آیه ۱۶۷.

۳. مانده ۵، آیه ۳۷.

همچنین پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) در سیر معنوی و توحیدی خود، متوجه این نکته معرفتی بسیار مهم شده‌اند که ذات الهی دیدنی و شهود کردنی نیست، لذا نور و تجلی او ملاک معرفت اوست و این نور خداوند، در وجود مبارک و مقدس اهل بیت (علیهم السلام) تجلی کرده است؛ از این رو شناخت آن بزرگواران ملاک شناخت خداوند است و کسی که ایشان را شناسد خدا را شناخته است؛ در این باره روایات بسیاری وجود دارد؛ برای نمونه، امام باقر (علیه السلام) می‌فرماید:

«بِنَا عِبَادَ اللَّهِ وَبِنَا عَرَفَ اللَّهُ وَبِنَا وَحَدَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى؛^۱ خدای متعال به واسطه ما عبادت می‌شود و به واسطه ما شناخته می‌شود و به واسطه ما به یگانگی ستوده می‌شود».

امام صادق (علیه السلام) نیز می‌فرماید:

«بِنَا عِبَادَ اللَّهِ وَبِنَا عَرَفَ اللَّهُ؛^۲ خداوند به واسطه ما عبادت شد و اگر ما نبودیم خداوند شناخته نمی‌شد».

همچنین امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید:

«الْأَوْصِيَاءُ مِنْ أَبْوَابِ اللَّهِ عُرُوجِلَ الَّتِي يُؤْتَى مِنْهَا وَلَوْلَاهُمْ مَا عَرَفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَبِهِمْ اخْتَجَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى خَلْقِهِ؛^۳ اوصیای دای خدای عزوجل هستند که از آن درها، به خداوند توجه می‌شود و مردم از آن درها، به سوی خدا می‌روند، و اگر آنان نبودند، خداوند شناخته نمی‌شد و خدای متعال به واسطه آنان بر خلق خود احتجاج کرده است».

و امام کاظم (علیه السلام) می‌فرماید:

«مِنْهُمْ تُرَى آيَاتُهُ وَ مُعْجَزَاتُهُ وَ بِهِمْ عَرَفَ عِبَادُ اللَّهِ نَفْسَهُ وَ بِهِمْ يُطَاعُ أَمْرُهُ وَ لَوْلَاهُمْ مَا عَرَفَ اللَّهُ وَ لَا يُدْرَى كَيْفَ يُعْبَدُ الرَّحْمَنُ؛^۴ از آنها آیات خداوند و معجزات او دیده می‌شود، و به واسطه ایشان و از ایشان، بندگان خدا او را شناختند، و به واسطه آنها امر خدا اطاعت می‌شود، و اگر آنها نبودند، خداوند شناخته نمی‌شد، و خدای رحمن چگونه عبادت می‌شد!».

و صاحب الامر مولایمان حضرت امام زمان (علیه السلام) نیز در زیارت رجبیه فرمودند:

«آيَاتِكَ وَ مَقَامَاتِكَ الَّتِي لَا تَغْطِيَلْ لَهَا فِي كُلِّ مَكَانٍ يَعْرِفُكَ بِهَا مَنْ عَرَفَكَ لَا فَتَقُ بَيْنَكَ

۱. کافی، ج ۱، ص ۱۴۵، ح ۱۰.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۶۱، ح ۳.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۹۳، ح ۲.

۴. تأویل الآيات، ص ۳۹۵.

وَبَيْنَهَا إِلَّا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ؛^۱ (اهل بیت علیهم السلام) آیات و مقامات توهستند که در هیچ مکانی تعطیلی ندارد. به واسطه ایشان، تورا شناخت هرکس که شناخت، فرقی بین تو و ایشان نیست، مگر اینکه آنان بندگان تو و خلق توهستند».

منظور از توحید ولایی نیز همین است که علاوه بر سیره و سخن اهل بیت علیهم السلام که در کنار قرآن کریم، تنها منبع معرفت حق تعالی می باشند، خود وجود مبارک و مقدسشان نیز محل ظهور نور و جلوه الهی است و خدا را باید در این آئینه های خدانما شهود کرد؛ چرا که یگانگی او، همچنین علم او، قدرت او، رضا و غضب او و تمام اسماء و صفات او در وجود مبارک ایشان جلوه کرده است؛ خدای سبحان می فرماید:

﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾^۲ «و برای خدا، اسم های نیک است، خدا را با آن نام ها بخوانید»

امام صادق علیه السلام در تفسیر این آیه شریفه فرمودند:

«نَحْنُ وَ اللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ الَّتِي لَا يَقُولُ اللَّهُ مِنْ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا»^۳ «به خدا قسم! ما میم آن نام های نیک که خداوند عملی را از بندگان بدون معرفت ما نمی پذیرد».

بر اساس آیات و روایات بسیار و ادله عقلی فراوان، اعتقادِ راسخ ما، این است که توحید و ولایت، دو مقوله مُنفک و جدای از یکدیگر نیستند که هیچ ارتباطی به یکدیگر نداشته باشند تا بتوان هر یک را بدون دیگری فهمید و تبیین نمود؛ زیرا که ولایت اهل بیت علیهم السلام ظهورِ توحید و نور حق تعالی است؛ از این رو امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿فَطَرَتِ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا﴾^۴ «فطرت الهی، فطرتی است که خداوند، انسان ها را بر اساس آن آفریده»، فرمودند:

«هُوَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ عَلِيُّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيُّ اللَّهِ إِلَى هَؤُلَاءِ التَّوْحِيدُ»^۵ آن فطرت، عبارت است از اینکه خدایی جز خدای یگانه نیست، محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول خداست، علی امیر مؤمنان ولی خداست، توحید تا اینجا است».

و امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعای رجبیه ظهور توحید و یگانگی حق تعالی در عالم رابع واسطه

۱. مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۸۰۳.

۲. أعراف، ۷، آیه ۱۸۰.

۳. کافی، ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۴.

۴. روم، ۳۰، آیه ۳۰.

۵. تفسیر قمی، ج ۲، ص ۱۵۵.

اهل بیت علیهم السلام دانسته و فرموده است: «فَبِهِمْ مَلَأْتُ سَمَاءَكَ وَ أَرْضَكَ حَتَّى ظَهَرَ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتِ؛ پس به واسطه ایشان آسمان و زمینت را پر کردی تا اینکه آشکار شد که خدایی جز تو نیست.» و امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره فرمودند:

«السَّلَامُ عَلَى مُحَالٍ مَعْرِفَةِ اللَّهِ؛ سلام بر محل های معرفت خداوند.»

بنابراین، اساساً بدون معرفت نور و ظهور خدای متعال و محل معرفت او نمی توان معرفت صحیحی به خدای متعال پیدا کرد، و چون وجود مبارک اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام همان نور و ظهور و محل معرفت و آیه معرفت خدای متعال هستند، از این رو معرفت حق تعالی بدون معرفت آن بزرگواران به نورانیت امکان ندارد.

متأسفانه برخی مدعی عرفان و حکمت اند، در حالی که مباحث توحیدی آنها خالی از ولایت است و جایگاه اهل بیت علیهم السلام در نظام معرفت توحیدی آنها مشخص نیست، بلکه اساساً توحید را فراموشی دانسته و جایگاهی برای اهل بیت علیهم السلام در نظام عرفانی و توحیدی خود معتقد نیستند؛ از این رو گمان می کنند که می شود شخصی اهل بیت علیهم السلام را شناخته و معرفت آنها را به دست نیآورده باشد، بلکه حتی منکر ولایت و فضائل ایشان باشد، ولی در عین حال، به قله های عرفان توحیدی دست یافته باشد!!! در حالی که اهل بیت علیهم السلام در روایات فراوانی فرموده اند؛ کسی که ایشان را بشناسد خدا را شناخته و کسی که به ایشان جاهل بوده یا منکر ایشان باشد، خدا را نشناخته است؛ برای نمونه، امام رضا علیه السلام در باره اهل بیت علیهم السلام می فرماید:

«السَّلَامُ عَلَى الْأَوْلَاءِ عَلَى اللَّهِ السَّلَامُ عَلَى الَّذِينَ مِنْ وَالَاهُمْ فَقَدْ وَ إِلَى اللَّهِ وَمَنْ عَادَاهُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللَّهَ وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللَّهَ وَمَنْ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ وَمَنْ تَخَلَّى مِنْهُمْ فَقَدْ تَخَلَّى مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛^۱

سلام بردالت کنندگان های برخدا، سلام بر کسانی که هر کس از آنها پیروی کرد، از خدا پیروی کرده، و هر کس که با آنها دشمنی کرد، با خداوند دشمنی کرده، و کسی که آنها را شناخت خدا را شناخته، و کسی که آنها را شناخت خدا را نشناخته، و کسی که به آنها تمسک کند به خداوند تمسک کرده، و کسی که از آنها دوری گزیند، از خدا دوری گزیده است.»

متأسفانه این باور اشتباه، که اولاً بدون رهنمودهای اهل بیت علیهم السلام و ثانیاً، بدون معرفت

۱. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۰.

۲. من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۸، ح ۳۲۱۲.

خود ایشان، می‌توان خدا را شناخت، سبب شده است که برخی از مخالفان ولایت که مدعی عرفان و علمدار آن بوده و استاد اکبر معرفی می‌شوند، در میان شیعیان نیز جایگاه و پایگاه بلند و بالایی پیدا کرده و به بزرگی و عظمت شناخته می‌شوند. از این رو بسیاری از طلاب و علاقه‌مندان به عرفان نیز فریب آنها را خورده و عمر خود را صرف اندیشه‌های انحرافی آنها می‌کنند و از عرفان توحیدی ولایی اهل بیت علیهم‌السلام دور می‌مانند.

امروزه، در شرایطی که از سویی، انحرافات بسیاری در توحید و عرفان حق تعالی روا شده و توحید خالص اهل بیتی و عرفان ولایی مهجور گشته، و از سوی دیگر، به سبب وجود ابزار اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی وسیع و فراگیر از قبیل ماهواره، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، رایانه، مطبوعات بسیار و رسانه‌های مختلف که شبانه‌روز مشغول القای انحرافات توحیدی ولایی در سراسر جهان هستند، ضرورت تبیین معارف ناب مکتب اهل بیت علیهم‌السلام صد چندان گشته و بر علماست که علم خود را اظهار نمایند تا حجت بر همگان تمام گردد و خورشید پس ابر نماند؛ زیرا که ائمه علیهم‌السلام فرموده‌اند:

«إِذَا ظَهَرَتِ الْبِدْعُ فَلِ الْعَالِمِ أَنْ يَظْهَرَ عِلْمُهُ فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ سَلَبَ مِنْهُ نُورَ الْإِيمَانِ؛ هرگاه که بدعت‌ها آشکار شود، بر عالم است که علم خود را اظهار نماید و اگر چنین نکند نور ایمان از او گرفته می‌شود».

البته از دیرباز کتاب‌های زیادی در باره توحید نوشته شده است؛ لکن بسیاری از این کتاب‌ها به زبان عربی و به صورت تخصصی نوشته شده و استفاده از آنها برای عموم طلاب، دانشجویان و علاقه‌مندان دشوار است. علاوه بر این، برخی از آنها به شیوه کلامی، برخی بر مشرب فلسفی، و برخی بر روش عرفانی نوشته شده‌اند، و برخی نیز مطالب توحیدی ولایی اهل بیت علیهم‌السلام را با مطالب فلسفی، عرفانی، کلامی و بافته‌های این و آن مخلوط کرده‌اند.

متأسفانه منابع معتبر و اصیل شیعه در باره توحید، همچون کتاب توحید کافی، توحید شیخ صدوق، توحید بحار الأنوار و روایات بسیار زیادی که در گنجینه روایی شیعه در باره توحید پراکنده است،^۲ متروک و مهجور مانده‌اند و گاه به ترجمه برخی مانند ترجمه اصول کافی و ترجمه توحید شیخ صدوق بسنده شده است! در حالی که اگر این گنجینه عظیم شیعه، مرجع

۱. علل الشرائع، ج ۱، ص ۲۳۶، ح ۱.

۲. البته اخیراً دار الحدیث، موسوعه توحید را منتشر ساخته و بسیاری از روایات توحیدی را در آن گرد آورده است.

اصلی طلاب، محققان و نویسندگان قرار می‌گرفت، بی‌شک، هیچ نیازی به بافته‌های مخالفان و دشمنان ولایت و واردات افکار شرق و غرب و اندیشمندان پیش از اسلام پیدا نمی‌شد و نیازی به سخن گفتن از روی رأی، هوا، هوس، استحسان، قیاس و مانند آنها نبود؛ زیرا که اسلام در معرفی خدای سبحان چیزی را کم نگذاشته و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام هر آنچه که دانستن آن برای بندگان خدا لازم بوده بیان کرده‌اند. در این باره روایات بسیاری وجود دارد؛ برای نمونه، رسول خدا صلی الله علیه و آله در حج وداع خطبه‌ای ایراد کرده و فرمودند:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ وَاللَّهِ مَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ النَّارِ إِلَّا وَقَدْ أَمَرْتُكُمْ بِهِ وَمَا مِنْ شَيْءٍ يُقَرِّبُكُمْ مِنَ النَّارِ وَيُبَاعِدُكُمْ مِنَ الْجَنَّةِ إِلَّا وَقَدْ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ»^۱

ای مردم! به خدا قسم! که هیچ چیزی نماند که شما را به بهشت نزدیک کند و یا از آتش دور کند مگر اینکه من شما را بدان امر کردم، و هیچ چیزی نماند که شما را به آتش نزدیک و از بهشت دور کند مگر اینکه من شما را از آن نهی کردم.

همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در خطبه غدیر خم فرمودند:

«مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَخَصَّ اللَّهُ فِي كُلِّ عِلْمٍ عَلِمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا عَلَّمْتُهُ عَلِيًّا وَهُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ»^۲ هیچ علمی نماند مگر اینکه خدای متعال به من آموخت، و تمام علمی را که آموختم در امام متقیان قرار دادم، و هیچ علمی نماند، مگر اینکه به علی علیه السلام آموختم، و اوست که امام آشکار است.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«إِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ مَا كَانَ وَعِلْمَ مَا هُوَ كَائِنْ إِيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ»^۳ قطعاً علم گذشته و آینده تا قیامت نزد ماست.

امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید:

«لَيْسَ شَيْءٌ إِلَّا فِي الْكِتَابِ وَالسُّنَّةِ»^۴ هیچ چیزی نیست مگر اینکه در کتاب و سنت هست.

ابوبصیر نیز می‌گوید که به امام باقر علیه السلام عرض کردم که چیزهایی پیش می‌آیند که آن

۱. کافی، ج ۲، ص ۷۴، ح ۲.

۲. إحتجاج، ج ۱، ص ۶۰.

۳. کافی، ج ۱، ص ۲۴۰، ح ۱.

۴. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۳۸۷، ح ۱.

را در کتاب و سنت نمی‌یابیم، آیا جایز است که به رأی خود در باره آنها سخن بگوییم؟ امام علیه السلام فرمودند:

«أَمَّا إِنَّكَ إِنْ أَصَبْتَ لَمْ تُؤْجِزُوا إِنْ أَخْطَأْتَ كَذَبْتَ عَلَى اللَّهِ؛ بَدَانِ وَأَكَاهَ بَاشُ! كَه (اگر به رأی خود سخن بگویی) اگر اتفاقاً به حق برسی هیچ پاداشی نداری، و اگر خطا کنی برخدا دروغ بسته‌ای».

به فرص آنکه چیزی باشد که خدای متعال و رسول گرامی او و حجت‌های معصوم او - که عالم به علم لدنی بوده و بر علم گذشته، حال و آینده تا قیامت واقف‌اند - نفرموده و سکوت کرده و یا مبهم نهاده باشند، قطعاً از روی غفلت و فراموشی نبوده، بلکه یقیناً مصلحتی در آن بوده، و ما نیز به پیروی از سیره و سنت ایشان، باید همان گونه عمل کنیم؛ مولای متقیان علی علیه السلام در خطبه‌ای فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى حَذُّهُ أَفْلَا تَعْتَدُوهَا وَفَرَضَ فَرَائِضَ فَلَا تَنْفُصُوهَا وَسَكَتَ عَنْ أَشْيَاءَ لَمْ يَسْكُتْ عَنْهَا سِبْأَنَا لَهَا فَلَا تَكْلَفُوهَا رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ لَكُمْ فَاقْبَلُوهَا»^۲

قطعاً خدای تبارک و تعالی حدی را مشخص نموده که نباید از آن حدود فراتر روید و واجباتی را واجب نموده که نباید از آنها کم بگذارید، و از چیزهایی سکوت کرده که یقیناً از روی فراموشی سکوت نکرده، لذا خودتان را بر آنها سختی و تکلف نیندازید که آن سکوت برای شما رحمتی از سوی خداوند بوده، پس آن رحمت را بپذیرید».

اهل بیت علیهم السلام بدون هیچ قید و شرطی بیان فرموده‌اند که اگر می‌خواهید از ما اهل بیت و با ما باشید، علوم، معارف و احکام خود را فقط از ما بگیرید؛ زیرا عالم و حیجی در عالم نیست مگر اینکه از آن بزرگواران است؛ مولای موحدان علی علیه السلام به کمیل بن زیاد فرمودند:

«يَا كُمَيْلُ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَأَنَا أَفْتَحُهُ وَمَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَالْقَائِمُ عليه السلام يَخْتُمُهُ! هِيَ كَمِيلُ! هِيَ عِلْمِي نَيْسَتْ مَكْرَانِيكَةً مِنْ أَنْ رَا كَشُودِم، وَهِيَ سَرِّي نَيْسَتْ مَكْرَانِيكَةً حَضَرَتْ نَائِمٌ عليه السلام أَنْ رَا خَتَمَ مِي كَنْد».

سپس فرمودند:

۱. محاسن، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۹۸.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص ۷۵، ح ۵۱۴۹.

«يَا كُمَيْلُ لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا تَكُنْ مِنَّا؛ اَي كميل! جزا ما نگیر تا از ما باشی».

با این همه، متأسفانه برخی افراد و گروه‌ها، شیفته افکار مخالفان و دشمنان ولایت، و فریفته اندیشه‌های شرق و غرب بوده و از انوار بی‌کران معرفت و عرفان اهل بیت علیهم‌السلام محروم مانده، یا آن را با مزخرفات خود و دیگران ممزوج و مخلوط کرده و از صفا و خلوص آن بی‌بهره مانده‌اند. این روحیه عشق به واردات فکری و فرهنگی، یک روحیه عُمری است که حتی در زمان خود رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عُمر شیفته افکار وارداتی بود و بارها اقدام کرد که از اسرائیلیات یهودیان وارد اسلام کند، ولی با مقاومت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقشه او برآب شد؛ برای نمونه در روایتی آمده است که عُمر نزد رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم آمد و گفت:

«أَنَا نَسِيْتُ أَحَادِيثَ مِنْ يَهُودٍ تُعْجِبُنَا فَفَتَرَى أَنْ نَكْتُبَ بَعْضَهَا؛ ما احادیث جالبی از یهود می‌شنویم که تعجب ما را برمی‌انگیزد، آیا اجازه می‌دهید که برخی از آنها را بنویسیم؟».

رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در پاسخ او فرمودند:

«أَمْ تَهْوِئُونَ كَمَا تَهْوِئُ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَى لَقَدْ جِئْتُكُمْ بِهَا بَيِّنَاتٍ نَقِيَّةٍ وَلَوْ كَانَ مُوسَى حَيًّا مَا وَسَعَهُ إِلَّا اتَّبَاعِي» آیا شما در اسلام متحیر و سرگردانید و دین خود را نمی‌دانید که می‌خواهید دین خود را از یهود و نصاری بگیریید!! اگر حضرت موسی علیه‌السلام نیز اکنون زنده بود، قطعاً باید از من پیروی می‌کرد».

ولی بعد از شهادت رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عُمر یهودی‌هایی همچون ابوهیره را - که یکی از سه نفر بود که بسیار بر رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دروغ می‌بست - پیش کشید و به او مقام و منصب داد و کرسی درس نهاد و افکار یهود را با اسلام ناب ممزوج ساخت. البته شیعیان به برکت وجود اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام از این اسرائیلیات و انحرافات مصون بودند.

خلاصه، آنکه خدای متعال و رسول گرامی او و ائمه اطهار علیهم‌السلام دستور داده و تأکید کرده‌اند که علم، حکمت، ادب، احکام و معارف خودتان را از معصومان و حجت‌های الهی دریافت کنید و کافران، مشرکان و مخالفان ولایت را معلم خود قرار ندهید و از آنان علم‌آموزی نکنید و حتی برای شنیدن احادیث نیز در برابر آنان زانو نزنید، چگونه ممکن است که آنان را محتاج اغیارها سازند؛ هارون بن خارجه می‌گوید که به امام صادق علیه‌السلام عرض کردم که

۱. تحف العقول، ص ۱۷۱.

۲. معانی الأخبار، ص ۲۸۲.

ما نزد مخالفان می‌رویم تا از آنها احادیثی بشنویم که آن احادیث را بر علیه آنها حجت خود قرار دهیم. با اینکه او به قصد یاد گرفتن دینش و به نیت علم‌آموزی نزد مخالفان نمی‌رفت، بلکه هدف او احتجاج بر علیه مخالفان بود، با این حال، امام صادق علیه السلام او را نهی کرده و به او فرمودند:

«لَا تَأْتِهِمْ وَلَا تَسْمَعْ عَنْهُمْ؛ نزد آنها نرو و از ایشان نشنو».

همچنین امام صادق علیه السلام درباره پرهیز از افکار مخالفان ولایت، به یونس بن ظبیان فرمودند:

«فَلَا يَغْرُزُكَ صَلَاتُهُمْ وَصِيَامُهُمْ وَرَوَايَاتُهُمْ وَعُلُومُهُمْ فَإِنَّهُمْ «حُمُرُ مُسْتَنْفَرَةٍ»^۱. ثُمَّ قَالَ يَا يُونُسُ إِذَا أَرَدْتَ الْعِلْمَ الصَّحِيحَ فَعِنْدَنَا أَهْلُ الْبَيْتِ فَإِنَّا وَرَثَتَا وَرِثَةَ شَرْعِ الْحِكْمَةِ وَفَصْلَ الْخِطَابِ؛^۲

نمازها، روزه‌ها، روایات و علومشان شما را فریب ندهد؛ زیرا که آنها الاغ‌های رمنده‌اند (که از شیر رمنده‌اند). یونس فرمود: ای یونس! اگر علم صحیح می‌خواهی، بدان که فقط نزد ما اهل بیت است و فقط ما هستیم که شرع حکمت و فصل الخطاب، به ما داده شده است».

سَدیر نیز می‌گوید که روزی امام باقر علیه السلام وارد مسجد الحرام می‌شد و من در حال خارج شدن از آن بودم، دست مرا گرفت و رو به کعبه ایستاد و فرمود: ای سَدیر!... می‌خواهم کسانی را که سَد راه خدا می‌شوند به تو نشان دهم، آن‌گاه به ابوحنیفه (که مدعی علوم عقلی بود) و سفیان ثوری (که مدعی عرفان بود) و در مسجد خلقه زده بودند نگریست و فرمود:

«هَؤُلَاءِ الصَّادُونَ عَنِ دِينِ اللَّهِ بِلَاهْدَى مِنَ اللَّهِ وَلَا كِتَابَ مُبِينٍ إِنَّ هَؤُلَاءِ الْأَخَابِتَ لَوْ جَلَسُوا فِي بُيُوتِهِمْ فَجَالَ النَّاسُ فَلَمْ يَجِدُوا أَحَدًا يُخْبِرُهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَنْ رَسُولِهِ ص حَتَّى يَأْتُونَا فَنُخْبِرَهُمْ عَنِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَ عَنْ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ؛^۳

آنها بدون هدایت از جانب خداوند و بدون برهان آشکار، از دین خدا جلوه‌گیری می‌کنند؛ زیرا که اگر این خبیث‌ها در خانه‌های خود می‌نشستند (و مدعی علم، حکمت و عرفان) نمی‌شدند، مردم به تکاپومی افتادند (تا عالمی را پیدا کنند که علوم و معارف خدا را بیاموزد) و به آنان بیاموزد) و چون چنین کسی را نمی‌یافتند که از خدای تبارک و تعالی و رسولش به

۱. السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی (والمستطرفات)، ج ۳، ص ۵۶۵.

۲. مدثر ۷۴، آیه ۵۰.

۳. کفایة الأثر، ص ۲۵۸.

۴. کافی، ج ۱، ص ۳۹۲، ح ۳.

آنها خبر دهد، لذا نزد ما می آمدند، تا ما به آنها از خدای تبارک و تعالی و رسولش خبر دهیم». البته یقیناً اهل بیت (علیهم السلام) ما را محتاج اغیارها نکرده و هر آنچه از علم و ادب، و حکمت و عرفان، برای خدا شناسی، پیامبر شناسی، امام شناسی، هستی شناسی، دین شناسی، دشمن شناسی، و آنچه برای سعادت دین، دنیا و آخرت ما لازم بوده بیان فرموده اند، بلکه اگر عمر حضرت نوح (علیه السلام) را هم داشته باشیم، تنها یک قطره از دریای بی کران معارف ایشان را نیز نمی توانیم بکشیم تا چه رسد که تشنه حکمت و عرفان باشیم و آن را در گنجینه معارف اهل بیت (علیهم السلام) نیابیم!!! از این رو بی گمان کسانی که خود را محتاج اغیار می بینند از آب حیات قرآن کریم و احادیث نورانی اهل عصمت (علیهم السلام) نچشیده اند، و گرنه هرگز تشنه آب های آلوده این و آن نمی شدند. خدای متعال می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ﴾^۱ «ای کسانی که ایمان آورده اید! دعوت خدا و پیامبر را اجابت کنید، هنگامی که شما را به سوی چیزی می خواند که شما را حیات می بخشد».

مولای متقیان علی (علیه السلام) نیز می فرماید:

«مَنْ عَدَلَ عَنْ وَلَایَتِنَا أَوْ فَضَّلَ عَلَيْنَا غَيْرَنَا فَإِنَّهُمْ عَنِ الصِّرَاطِ لَنَا كِبُونَ وَلَا سَوَاءَ مَنْ اعْتَصَمَ النَّاسُ بِهِ وَلَا سَوَاءَ مَنْ ذَهَبَ حَتَّى ذَهَبَ النَّاسُ؛ ذَهَبَ النَّاسُ إِلَى عُيُونِ كَذِبَةٍ يُفَرِّغُ بَعْضُهَا فِي بَعْضٍ وَذَهَبَ مَنْ ذَهَبَ إِلَيْنَا أَلْ عَيْنِ صَافِيَةٍ تَجْرِي بِأُمُورٍ لَا نَقَادَ لَهَا وَلَا انْقِطَاعٌ»^۲

«هر که از ولایت ما منحرف شود، یا دیگری را بر ما ترجیح دهد، در حقیقت از راه راست، منحرف گشته است و کسی که پناه مردم است، با کسی که دنباله رو مردم است، یکسان نیست؛ مردم به سوی چشمه هایی تیره (کَلِّ الْأَرْضِ) می روند که یکی به دیگری می ریزد، و کسانی که به سوی ما می آیند، به سوی چشمه هایی زلال می آیند که به امر پروردگارشان جاری اند، و تمام شدنی و خشک شدنی نیستند».

بنابراین، با وجود گنجینه غنی و دریای بی کران معارف اهل بیت (علیهم السلام) بییهی است که محققان از اهل ولایت می توانند با استفاده از قرآن کریم و این گنجینه روایی شیعه، ده ها و صدها کتاب توحیدی و لای بنویسند تا اینکه مشتاقان عرفان اهل بیت، محتاج عرفان

۱. انفال ۸، آیه ۲۴.

۲. بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۴۹۷، ح ۸.

دشمنان و اغیار و محتاج افکار وارداتی نشوند. و کتاب حاضر، پیش درآمدی است بر این روش. قطعاً هر مسلمانی آرزو دارد که اعتقادات توحیدی خود را بدون غلّ و غش و بدون آمیختگی با افکار این و آن، آنچنان که خدای متعال خود را در قرآن کریم معرفی فرموده، و آنچنان که حجت‌های او و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام در احادیث و سخنان گهربارشان بیان فرموده‌اند بشناسد.

البته گروهی از دوستان اهل بیت علیهم‌السلام هستند که محب اهل بیت علیهم‌السلام بوده و معتقدند که خدای سبحان را باید بر اساس رهنمودهای آن بزرگواران شناخت و بدون هدایت ایشان نمی‌توان خدا را شناخت، لکن این گروه، متأسفانه گمان می‌کنند که نقش اهل بیت علیهم‌السلام در بحث توحید و عرفان حق تعالی، همین مقدار است که با کلام خویش، بندگان خدا را به سوی خداوند رهنمون می‌شوند و آنان را به خداوند وصل می‌کنند و هنگامی که آنان پروردگار خویش را شناخته و به او وصل شده و بنده او شدند، آنگاه اهل بیت علیهم‌السلام هیچ نقشی در معرفت فطری و قلبی آنها ندارند، بلکه شخص مؤمن و عارف، معایتاً و عیاناً پروردگار خود را مشاهده می‌کند، بدون آنکه واسطه‌ای و حجابی بین او و خداوند وجود داشته باشد، همچنان که در عالم ذرّ مشاهده کرده و سپس فراموش نموده‌اند و روزی به یاد می‌آورند!

اگرچه مطلب اخیر، مضمون برخی روایات است - و ما نیز در فصلی از این کتاب، آن روایات را ذکر نموده و بحث کرده‌ایم - لکن کسی که کتاب پیش رو را با دقت مطالعه کند، معنای صحیح این روایات را نیز متوجه می‌شود و می‌فهمد که منظور از مشاهده خداوند، چه در عالم ذرّ، چه در دنیا و چه در آخرت و بهشت، شهود ذات حق تعالی نیست؛ زیرا که شهود قدیم و ازل، توسط موجود حادث و محدود محال است و چنین شهودی با هیچ مشعری از مشاعر ظاهری، باطنی و حقیقی ممکن نیست، مگر شهود تجلی و نور او در وجود آیات و علاماتش. لذا شهود حق تعالی، در حقیقت، شهود نور او و تجلی او و مشاهده آیه توحید ذاتی اوست که ملاک معرفت و محل معرفت اوست. و اهل بیت علیهم‌السلام در «مقام بیان» آیه ذاتی او بوده و معرفت اویند. و در بهشت نیز وقتی که بندگان خدا به زیارت و ملاقات خدا می‌روند، در حقیقت، به زیارت و ملاقات رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌روند؛ زیرا که آن حضرت بزرگ‌ترین ظهور نور خدا در دنیا و آخرت است؛ در این باره روایات متعددی وجود دارد، برای نمونه، عبد السلام هزوی می‌گوید که به امام رضا علیه‌السلام عرض کردم که ای پسر رسول خدا! نظر شما در باره این روایت چیست که اهل حدیث روایت می‌کنند که مؤمنان در بهشت، پروردگارشان را از خانه‌های خود زیارت می‌کنند؟

امام رضا علیه السلام فرمودند:

«إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فَضَّلَ نَبِيَّهُ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمَلَائِكَةِ وَجَعَلَ طَاعَتَهُ طَاعَتَهُ وَمُتَابَعَتَهُ مُتَابَعَتَهُ وَزِيَارَتَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ زِيَارَتَهُ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»^۱؛ وَقَالَ: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ»^۲. وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: مَنْ زَارَنِي فِي حَيَاتِي أَوْ بَعْدَ مَوْتِي فَقَدْ زَارَ اللَّهَ»^۳.

قطعاً خدای تبارک و تعالی پیامبرش محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را بر تمام خلقش از پیامبران و ملائکه برتری بخشید و اطاعت از او را اطاعت از خود، و پیروی از او را پیروی از خود و زیارت او در دنیا و آخرت را زیارت خود قرار داد و فرمود: "هرکس که از رسول اطاعت کند یقیناً از خدا اطاعت کرده است". و نیز فرمود: "کسانی که با توبیعت می‌کنند قطعاً جزاین نیست که با خداوند بیعت می‌کنند. دست خدا بالای دست آنهاست". و پیامبر صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نیز فرمود: کسی که مرا در زنده بودنم یا بعد از مرگم زیارت کند، قطعاً خدا را زیارت کرده است».

بنابراین اهل بیت علیهم السلام در هیچ مقامی از مقامات عرفانی حق تعالی، وجوداً کنار نمی‌روند و بالاترین مقامی که انسان می‌تواند بشناسد، در حقیقت، پایین‌ترین مقام از مقامات اهل بیت علیهم السلام است که همان تجلی نور خدا برای اوست، لکن انسان در معرفت این تجلی، «وجداناً» و «عرفاناً»، اهل بیت علیهم السلام را نمی‌بیند؛ یعنی در مقامی که انسان خدای خود را می‌بیند، اگرچه در آئینه او و آیه او و در تجلی او و در محل معرفت او می‌بیند، نه خود ذات را، لکن در آن نظر و در آن وجدان و در آن عرفان، که خدا را می‌بیند فقط متجلی را می‌بیند نه تجلی را و نه تجلی‌گاه را. این معرفت، همان «معرفت الله بالله» و همان معرفت فطری است، که معرفت قلبی، معرفت فؤادی، معرفت عرفانی، معرفت شهودی و معرفت وجدانی نیز نامیده می‌شود که در این باره، به اختصار مطالبی را در فصل‌های پایانی کتاب بیان کرده‌ایم.

خلاصه، آنکه در میان دوستان آل محمد صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که تسلیم اهل بیت علیهم السلام هستند؛ اعم از طلاب، دانشجویان و عموم علاقه‌مندان به معارف ناب قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام جای کتابی که به زبان فارسی، بتواند معارف بلند توحیدی را ساده و در عین حال، نظام‌مند تبیین کرده باشد، خالی بود؛ کتابی که نه خیلی طولانی و چندین جلد باشد که مطالعه کردن و دست

۱. نساء، ۴، آیه ۸۰.

۲. فتح، ۴۸، آیه ۱۰.

۳. توحید، ص ۱۱۷، ح ۲۱.

یافتن به مطالب و مقاصد آن مشکل باشد، و نه خیلی مختصر و مبهم باشد که فهمیدن مطالب بلند توحیدی دشوار گردد؛ کتابی که از هر گونه هیاهو و بگو مگوهای جدلی به دور بوده و نیز از هر گونه تفسیر به رأی و پیش فرض‌های ذهنی پرهیز نموده، و توحید را فقط بر اساس قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام بیان کرده باشد، و در عین حال، از استدلال‌های عقلی محکم، قطعی و موافق آیات و روایات بهره برده باشد.

خلاصه، آنکه کتاب حاضر، پیش‌درآمدی است بر توحید ولایی که فقط بر اساس معارف ناب قرآن کریم و احادیث گهربار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وآل‌ه‌وآل‌ه‌وس‌السلام و ائمه اطهار علیهم‌السلام به زبان فارسی روان و با نظمی زیبا به رشته تحریر درآمده است تا اینکه فتح بابی باشد برای علاقه‌مندان به عرفان اهل‌بیتی و چشیدن مره توحید خالص که همان توحید ولایی است.

در این کتاب، سعی شده است که مطالب توحیدی ولایی، از مطالب ساده و پیش‌نیاز برای مطالب دقیق‌تر و عرفانی‌تر شروع شود و با شیپ ملایمی به دقیق‌ترین مطالب عرفان توحیدی ولایی نیز اشاره شود. از این رو توصیه می‌شود که برادران دینی، مطالعه این کتاب را با حوصله از ابتدا شروع کنند و خلاصه معارف و اصولی که در هر فصل به اثبات رسیده به خاطر بسپارند تا در مراحل بعدی که بر اساس مطالب پیشین سخن به میان می‌آید، هضم مطالب عرفانی ولایی جدید، آسان‌تر شود.

در تدوین فصل‌ها و عناوین این کتاب، دقت‌های زیادی شد تا اینکه علاوه بر استفاده عموم علاقه‌مندان، صلاحیت تدریس در حوزه‌ها، دانشگاه‌ها، هیئت‌ها، گروه‌ها و جلسات علمی را نیز داشته باشد. از این رو ابتدا کتاب به صورت درسنامه نگارش یافت که هر درسی پرسش‌ها و تمرین‌هایی داشت. سپس دو سال پی‌درپی در میان تعدادی از دوستان تدریس شد. این دوستان که از فضلا و اهل ولایت و اهل دقت بودند، گاه سؤالات و نکات خوبی مطرح می‌فرمودند که لازم بود آن نکات در کتاب لحاظ گردد؛ لذا با توجه به این تجربه علمی و عملی، به حول و قوه الهی، کتاب دوباره بازنگری و بازنویسی شده و نقاط ضعف و ابهام آن برطرف شد. در مرحله بعد، کتاب را به تعدادی از اساتید بزرگوارم تقدیم نمودم، هریک از ایشان نیز نکات خوبی را یادآور شدند و آن نکات را نیز در کتاب حاضر لحاظ نمودم.

همچنین از ویژگی‌های کتاب پیش‌رو، که آن را از دیگر کتاب‌ها ممتاز می‌سازد، این است که در این کتاب، با اینکه بنای نویسنده و تمام تلاش او، این بوده است که کلمه‌ای

نگوید که قرآن و احادیث اهل بیت علیهم السلام بر آن دلالت نکند، در عین حال، به صرف نقل و ترجمه روایات بسنده نشده، و مطالب و معارف موجود در آیات و روایات هر بحثی، تبیین و تشریح شده و از استدلال‌های عقلی زیادی در همه مباحث و فصول بهره گرفته است، به گونه‌ای که آن استدلال‌ها نه تنها منافاتی با آیات و روایات ندارند، بلکه تبیین عقلی همان آیات و روایات می‌باشند.

از دیگر، ویژگی‌های این کتاب، استفاده زیاد از آیات و روایات است؛ بیش از ۳۰۰ آیه و ۱۲۰۰ روایت و در این کتاب نقل و تبیین شده است. و نیز بیش از ۹۵ منبع از منابع حدیثی، تفسیری، اعتقادی و لغت مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. البته بدیهی است که هم مطالب توحیدی، بسیار بیش از آن است که در یک کتاب یک جلدی جمع شود، و هم آیات و روایات توحیدی بسیار بیش از آن چیزی است که در این کتاب ذکر شده است، لکن تلاش نمودیم که در هر بحثی در حد نیاز به تعدادی از آیات و روایات آن بحث، برای نمونه اشاره کنیم و تحقیق بیشتر را به عهده علاقه‌مندان نهاده‌ایم.

خدا را بی‌نهایت شکر می‌کنم که به این بنده حقیر؛ حسین بن عین الله بن صالح بن سیف الله توفیق داد که با صرف حدود چهار سال از عمر خویش و با تلاش شبانه روزی در تألیف، تدریس، ویرایش و بازنویسی این کتاب، بخشی از معارف توحیدی ولایی را که خدای متعال بر من منت نهاده و به برکت اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و به واسطه علما و اساتید وارسته و ولایی، به این بنده حقیر آموخته، توفیق اتمام تألیف آن را نیز عطا فرمود.

در پایان، تأکید می‌کنم که کتاب پیش رو تنها پیش درآمدی بر توحید ولایی است و تنها نَمی از دریای بی‌کران آن است. امید است که بعد از این کتاب‌های بسیاری با این رویکرد، لکن دقیق‌تر و عمیق‌تر از آن به رشته تحریر درآید و مشتاقان ولایت را شادمان، و تشنگان عرفان توحیدی ولایی اهل بیت علیهم السلام را سیراب سازد.

همچنین از همه اساتید، دوستان و بزرگوارانی که در فرایند تألیف این کتاب، مرا یاری رساندند، همچنین از تمام عزیزانی که در چاپ و نشر این کتاب زحمت می‌کشند، به ویژه از عزیزانی که در تأمین هزینه چاپ، قدم خیر برداشتند، کمال تقدیر و تشکر را دارم و از درگاه خدای مَنان سلامتی دنیوی و اخروی ایشان و نیز اجر بی‌پایان و ثبات قدم در طریق ولایت و دست‌یابی به توحید ولایی و عرفان اهل بیتی را برایشان مسئلت می‌نمایم.

این کتاب را به محضر مبارک مولایم؛ حضرت بقیت الله الأعظم صاحب الزمان مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف امام حاضر و ناظرم تقدیم می دارم و از وجود مبارک و مقدس آن حضرت، ملتسمانه مسئلت می کنم که مرا در بسک غلامان و سربازان خالص خویش در آورده و در فهم آیات و روایات و نشر معارف قرآن کریم و احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام کما فی السابق و بیش از پیش یاری نماید. آمین یا رب العالمین. و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین و صلوات الله و صلوات ملائکته و رسله و عباد الصالحین من الانس و الجن علی محمد خاتم النبیین و آله و عترته خیره رب العالمین و شیعتهم من الاولین و آخرین.

حسین سیف اللهی سعید خانلو

جمعه بیست و ششم بهمن ۱۳۹۷

نهم جمادی الثانی ۱۴۴۰